

## رساله دوم پولس رسول به

### قرن‌تیاں

پولس به اراده خدا رسول عیسی مسیح و تیموتاوس برادر، به کلیسای خدا که در قرن‌تس می‌باشد با همه مقدسینی که در تمام اخائیه هستند، فیض و سلامتی از پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند به شما باد.

### خدای جمیع تسلیات

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدر رحمتها و خدای جمیع تسلیات است، که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم.

۵ زیرا به اندازه‌های که در دلهای مسیح در ما زیاد شده، به همین قسم تسلی ما نیز بوسیله مسیح می‌افزاید.

۶ اما خواه زحمت کشیم، این است برای تسلی و نجات شما، و خواه تسلی پذیریم این هم بجهت تسلی و نجات شما است که میسر می‌شود از صبر داشتن در همین دردهایی که ما هم می‌بینیم.

۷ و امید ما برای شما استوار می‌شود زیرا می‌دانیم که چنانکه شما شریک دردها هستید، همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود.

زیرا ای برادران غمی خواهیم شما بخیبر باشید از تنگی‌ای که در آسیابه ما عارض گردید که بینهایت و فوق از طاقت بار کشیدیم، بحدی که از جان هم مایوس شدیم.

۹ لکن در خود فتوای موت داشتیم تا بر خود توکل نکنیم، بلکه برخدا که مردگان را برمی‌خیزاند،

که ما را از چنین موت رهانید و میرهانید و به او امیدواریم که بعد از این هم خواهد رهانید.

۱۱ و شما نیز به دعا در حق ما اعانت می‌کنید تا آنکه برای آن نعمتی که از اشخاص بسیاری به ما رسید، شکرگزارای هم بجهت ما از بسیاری بهجا آورده شود.

تغییر برنامه پولس

زیرا که نفر ما این است یعنی شهادت ضمیر ما که به قدوسیت و اخلاص خدایی، نه به حکمت جسمانی، بلکه به فیض الهی در جهان رفتار نمودیم و خصوص نسبت به شما.

۱۳ زیرا چیزی به شما نمی نویسیم مگر آنچه میخوانید و به آن اعتراف میکنید و امیدوارم که تا به آخر اعتراف هم خواهید کرد.

۱۴ چنانکه به ما فی الجمله اعتراف گردید که محل نفر شما هستیم، چنانکه شما نیز ما را میباید در روز عیسی خداوند.

و بدین اعتماد قبل از این خواستم به نزد شما آیم تا نعمتی دیگر بیاید، و از راه شما به مکادونیه بروم و بازار مکادونیه نزد شما بیایم و شما را به سوی یهودیه مشایعت کنید.

۱۷ پس چون این را خواستم، آسپهل انگاری کردم یا عزیمت من عزیمت بشری باشد تا آنکه به نزد من بی بی و بی بی باشد.

۱۸ لیکن خدا امین است که سخن ما با شما بی بی نیست.

۱۹ زیرا که پسر خدا عیسی مسیح که ما یعنی من و سلوانس و تیموتاوس در میان شما به وی موعظه کردیم، بی بی و بی نشد بلکه در او بی شده است.

۲۰ زیرا چند آنکه وعده های خدا است، همه در او بی و از این جهت در او امین است تا خدا از ما تجید یابد.

۲۱ اما او که ما را با شما در مسیح استوار می گرداند و ما را مسح نموده است، خدا است.

۲۲ که او نیز ما را مبر نموده و بیعانه روح را در دل های ما عطا کرده است.

لیکن من خدا را بر جان خود شاهده می خوانم که برای شفقت بر شما تا بحال به قرنتس نیامدم، نه آنکه برای شما حکم کرده باشیم بلکه شادی شما را مدد کار هستیم زیرا که به ایمان قائم هستید.

اما در دل خود عزیمت داشتم که دیگر با حزن به نزد شما نیایم،

زیرا اگر من شما را محزون سازم، کیست که مرا شادی دهد جز او که از من محزون گشت؟ و همین را نوشتم که مبادا وقتی که بیایم محزون شوم از آنانی که میبایست سبب خوشی من

باشوند، چونکه بر همه شما اعتماد میدارم که شادی من، شادی جمیع شماست.  
 ۴ زیرا که از حزن و دل‌تنگی سخت و با اشکهای بسیار به شما نوشتم، نه تا محزون شوید بلکه  
 تا بفهمید چه محبت بینهایتی باشما دارم.

### عفو خطا کار

و اگر کسی باعث غم شد، مرا محزون نساخت بلکه فی الجمله جمیع شمارا تا بارزاده ننهاده  
 باشم.

۶ کافی است آن کس را این سیاستی که از اکثر شما بدور رسیده است.  
 ۷ پس برعکس شما بایدا و اعفو نموده، تسلی دهید که مباد افزونی غم چنین شخص  
 را فرورد.

۸ بنا بر این، به شما التماس میدارم که با او محبت خود را استوار نمایید.  
 ۹ زیرا که برای همین نیز نوشتم تا دلیل شمارا بدانم که در همه چیز مطیع میباشید.  
 ۱۰ اما هر که را چیزی عفو نمایید، من نیز میکنم زیرا که آنچه من عفو کرده‌ام، هرگاه  
 چیزی را عفو کرده باشم، به خاطر شما به حضور مسیح کرده‌ام،  
 تا شیطان بر ما برتری نیابد، زیرا که از مکایدا و بی خبر نیستیم.

### خصوصیات خادمین عهد جدید

اما چون به ترواس بجهت بشارت مسیح آمدم و دروازه‌های برای من در خداوند باز شد،  
 در روح خود آرامی نداشتم، از آن رو که برادر خود تیطس را نیافتم، بلکه ایشان را وداع  
 نموده، به مکادونیه آمدم.

۱۴ لیکن شکر خدا را است که ما را در مسیح، دائم در موکب ظفر خود میبرد و عطر  
 معرفت خود را در هر جا بوسیله مظاهر می‌کند.

۱۵ زیرا خدا را عطر خوشبوی مسیح میباشیم هم در ناجیان و هم در هالکان.

۱۶ اما اینها را عطر موت، الی موت و آنها را عطر حیات الی حیات. و برای این امور  
 کیست که کافی باشد؟

زیرا مثل بسیاری نیستیم که کلام خدا را مغشوش سازیم، بلکه از ساده دلی و از جانب

خدا در حضور خدا در مسیح سخن می‌گوییم.

آیا باز به سفارش خود شروع میکنیم؟ و آیا مثل بعضی احتیاج به سفارش نامه جات به شما یا از شما داشته باشیم؟

شمار ساله ما هستید، نوشته شده در دل‌های ما، معروف و خوانده شده جمیع آدمیان.  
 ۳ چونکه ظاهر شده‌اید که رساله مسیح می‌باشید، خدمت کرده شده از ما نوشته شده نه به مرکب بلکه به روح خدای حی، نه بر الواح سنگ، بلکه بر الواح گوشتی دل.  
 ۴ اما بوسیله مسیح چنین اعتماد به خدا داریم.

۵ نه آنکه کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کنیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت ما از خداست.

۶ که او ما را هم کفایت داد تا عهد جدید را خادم شویم، نه حرف را بلکه روح را زیرا که حرف میکشد لیکن روح زنده میکند.

#### جلال عهد جدید

اما اگر خدمت موت که در حرف بود بر سنگها تراشیده شده با جلال میبود، بحدی که بنیاسرائیل نمی توانستند صورت موسی را نظاره کنند بهسبب جلال چهره او که فانی بود،

چگونه خدمت روح بیشتر با جلال نخواهد بود؟

زیرا هر گاه خدمت قصاص با جلال باشد، چند مرتبه زیاد تر خدمت عدالت در جلال خواهد افزود.

۱۰ زیرا که آنچه جلال داده شده بود نیز بدین نسبت جلالی نداشت بهسبب این جلال فایق.

۱۱ زیرا اگر آن فانی با جلال بودی، هر آینه این باقی از طریق اولی در جلال خواهد بود. پس چون چنین امید داریم، با کمال دلیری سخن می‌گوییم.

۱۳ و نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود کشید تا بنیاسرائیل، تمام شدن این فانی را نظر نکنند،

بلکه ذهن ایشان غلیظ شد زیرا که تا امروز همان نقاب در خواندن عهد عتیق باقی است

- و کشف نشده است، زیرا که فقط در مسیح باطل میگردد.
- ۱۵ بلکه تا امروز وقتی که موسی را میخوانند، نقاب بردل ایشان برقراری ماند.
- ۱۶ لیکن هرگاه به سوی خداوند رجوع کند، نقاب برداشته میشود.
- ۱۷ اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است.
- ۱۸ لیکن همه ما چون با چهره بینقاب جلال خداوند را در آینه مینگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل میشویم، چنانکه از خداوند که روح است.

### خزینه در ظروف خاکی

- بنابراین چون این خدمت را داریم، چنانکه رحمت یافتیم، خسته خاطر نمی شویم.
- ۲ بلکه خفایای رسوایی را ترک کرده، به مکر رفتار نمی کنیم و کلام خدا را مغشوش نمی سازیم، بلکه به اظهار راستی، خود را به ضمیر هر کس در حضور خدا مقبول میسازیم.
- ۳ لیکن اگر بشارت ما مخفی است، برهالکان مخفی است، که در ایشان خدای این جهان فهم های پیامانشان را کور گردانیده است که مبادا تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خداست، ایشان را روشن سازد.
- ۵ زیرا به خویشتن موعظه نمی کنیم بلکه به مسیح عیسی خداوند، اما به خویشتن که غلام شما هستیم بخاطر عیسی.
- ۶ زیرا خدایی که گفت تا نور از ظلمت درخشید، همان است که در دل های مادر خشید تا نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد.
- لیکن این خزینه را در ظروف خاکی داریم تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما.
- ۸ در هر چیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم؛ متحیر ولی مایوس نی، تعاقب کرده شده، لیکن نه متروک، افکنده شده، ولی هلاک شده نی، پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل میکنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود.
- ۱۱ زیرا ما که زنده ایم، دائم بخاطر عیسی به موت سپرده میشویم تا حیات عیسی نیز در جسد فانی ما پدید آید.
- ۱۲ پس موت در ما کار می کند ولی حیات در شما.

اما چون همان روح ایمان را داریم، بحسب آنچه مکتوب است «یمان آوردم پس سخن گفتم» مانیز چون ایمان داریم، از اینرو سخن میگویم.

۱۴ چون میدانیم او که عیسی خداوند را بر خیزانید، ما را نیز با عیسی خواهد بر خیزانید و باشما حاضر خواهد ساخت.

۱۵ زیرا که همه چیز برای شماست تا آن فیضی که بوسیله بسیاری افزوده شده است، شکرگزاری را برای تجید خدا بیفزاید.

۱۶ از این جهت خسته خاطر نمی شویم، بلکه هر چند انسانیت ظاهری ما فانی میشود، لیکن باطن روز بروز تازه میگردد.

۱۷ زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظهای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا میکند.

۱۸ در حالی که ما نظر نمی کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی.

### خانه آسمانی

زیرا میدانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانهای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها.

۲ زیرا که در این هم آه میکشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانه خود را که از آسمان است بپوشیم،

اگر فی الواقع پوشیده و نه عریان یافت شویم.

۴ از آنرو که مانیز که در این خیمه هستیم، گرانبار شده، آه میکشیم، از آن جهت که نمی خواهیم این را بیرون کنیم، بلکه آن را بپوشیم تا فانی در حیات غرق شود.

۵ اما او که ما را برای این درست ساخت خدا است که بیعانه روح را به ما میدهد.

پس دائم خاطر جمع هستیم و میدانیم که مادامی که در بدن متوطنیم، از خداوند غریب میباشیم.

۷ (یرا که به ایمان رفتار میکنیم نه به دیدار)

پس خاطر جمع هستیم و این را بیشتر می‌پسندیم که از بدن غربت کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم.

۹ لهذا حریص هستیم بر اینکه خواه متوطن و خواه غریب، پسندیده‌اوباشیم.

۱۰ زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هر کس اعمال بدنی خود را بیابد، بحسب آنچه کرده باشد، چه نیک چه بد.

#### خدمت مصالحه

پس چون ترس خدا را دانستهایم، مردم را دعوت میکنیم. اما به خدا ظاهر شده‌ایم و امیدوارم به ضمیر شما هم ظاهر خواهیم شد.

۱۲ زیرا بار دیگر برای خود به شما سفارش نمی‌کنیم، بلکه سبب افتخار در باره خود به شما می‌دهیم تا شمارا جوابی باشد برای آنانی که در ظاهر نه در دل نخر میکنند.

۱۳ زیرا اگر بخود هستیم برای خداست و اگر هشیاریم برای شماست.

۱۴ زیرا محبت مسیح ما را فرو گرفته است، چونکه این را دریافتیم که یک نفر برای همه مرد پس همه مردند.

۱۵ و برای همه مرد تا آنانی که زنده‌اند، از این به بعد برای خویشان زیست نکنند بلکه برای او که برای ایشان مرد و پر خاست.

بنابراین، ما بعد از این هیچکس را بحسب جسم نمی‌شناسیم، بلکه هر گاه مسیح را هم بحسب جسم شناخته بودیم، الان دیگر او را نمی‌شناسیم.

۱۷ پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است.

۱۸ و همه چیز از خدا که ما را بواسطه عیسی مسیح با خود مصالحه داده و خدمت مصالحه را به ما سپرده است.

۱۹ یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه میداد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد.

۲۰ پس برای مسیح ایلیچی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ میکند. پس بخاطر مسیح استدعای کنیم که با خدا مصالحه کنید.

۲۱ زیرا او را که نگاه نشناخت در راه ما نگاه ساخت تا ما در روی عدالت خدا شویم.  
 پس چون همکاران او هستیم، التماس می نمایم که فیض خدا را بیفایده نیافته باشید.  
 ۲ زیرا میگوید: «روقت مقبول تو را مستجاب فرمودم و در روز نجات تو را اعانت کردم.»  
 اینک الحال زمان مقبول است؛ اینک الان روز نجات است.  
**زحمات پولس در راه خدا**

در هیچ چیز لغزش نمی دهیم که مبادا خدمت ما ملامت کرده شود،  
 بلکه در هر امری خود را ثابت میکنیم که خدام خدا هستیم: در صبر بسیار، در زحمات،  
 در حاجات در تنگیها،

در تازیانها، در زندانها، در فتنهها، در محنتها، در بیخوابیها، در گرسنگیها،  
 در طهارت، در معرفت، در حلم، در مهربانی، در روحالقدس، در محبت بیریای،  
 در کلام حق، در قوت خدا با اسلحه عدالت بر طرف راست و چپ،  
 به عزت و ذلت و بدنامی و نیکبختی. چون گمراه کنندگان و اینک راستگوهستیم؛  
 چون مجهول و اینک معروف؛ چون در حالت موت و اینک زنده هستیم؛ چون سیاست  
 کرده شده، اما مقتول نی؛  
 چون محزون، ولی دائم شادمان؛ چون فقیر و اینک بسیاری راد و لتمند میسازیم؛ چون  
 بیچیز، اما مالک همه چیز.

### بیوغ ناموافق

ای قرنیان، دهان ما به سوی شما گشاده و دل ما وسیع شده است.  
 ۱۲ در ماتنگ نیستید لیکن در احشای خود تنگ هستید.  
 ۱۳ پس در جزای این، زیرا که به فرزندان خود سخن میگویم، شما نیز گشاده شوید.  
 ۱۴ زیر بیوغ ناموافق با بیایمانان مشوید، زیرا عدالت را با نگاه چه رفاقت و نور را با ظلمت  
 چه شراکت است؟

و مسیح را با بیعیال چه مناسبت و مومن را با کافر چه نصیب است؟  
 و هیکل خدا را با بتها چه موافقت؟ زیرا شما هیکل خدای حی میباشید، چنانکه خدا گفت  
 که «ایشان ساکن خواهیم بود و در ایشان راه خواهیم رفت و خدای ایشان خواهیم بود،



وایشان قوم من خواهند بود.»

پس خداوند میگوید: «زمیان ایشان بیرون آید و جدا شود و چیز ناپاک را لمس نکنید  
تا من شمارا مقبول بدارم،

و شمارا پدر خواهم بود و شما را پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق میگوید.»  
پسای عزیزان، چون این وعدهها را داریم، خویشتن را از زهر نجاست جسم و روح طاهر  
بسازیم و قدوسیت را در خدا ترسی به کمال رسانیم.

### تسلی یولس

ما را در دلهای خود جاد کنید. بر هیچکس ظلم نکردیم و هیچکس را فاسد نساختیم  
و هیچکس را مغبون نمودیم.

۳ این را از روی مذمت نمی گویم، زیرا پیش گفتم که در دل ماهستید تا در موت و  
حیات با هم باشیم.

۴ ما بر شما اعتماد کلی و درباره شما مگر کامل است. از تسلی سیر گشتهام و در هر  
زحمتی که بر ما می آید، شادی وافر میکنم.

زیرا چون به مکاد و نیه هم رسیدیم، جسم ما آرامی نیافت، بلکه در هر چیز زحمت کشیدیم؛  
در ظاهر، نزاعها و در باطن، ترسها بود.

۶ لیکن خدایی که تسلی دهنده افتادگان است، ما را به آمدن تیطس تسلی بخشید.

۷ و نه از آمدن او تنها بلکه به آن تسلی نیز که او در شما یافته بود، چون ما را مطلع ساخت  
از شوق شما و نوحه گری شما و غیرتی که درباره من داشتید، به نوعی که بیشتر شادمان  
گردیدم.

۸ زیرا که هر چند شما را به آن رساله محزون ساختم، پشیمان نیستم، اگرچه پشیمان هم  
بودم زیرا یافتیم که آن رساله شما را اگر هم به ساعتی، غمگین ساخت.

۹ الحال شاد مانم، نه از آنکه غم خوردید بلکه از اینکه غم شما به توبه انجامید، زیرا که  
غم شما برای خدا بود تا به هیچ وجه زیانی از ما به شما نرسد.

۱۰ زیرا غمی که برای خداست منشا توبه میباشد به جهت نجات که از آن پشیمانی نیست؛

اما غم دنیوی منشاموت است.

۱۱ زیرا اینک همینکه غم شما برای خدا بود، چگونه کوشش، بل احتجاج، بل خشم، بل ترس، بل اشتیاق، بل غیرت، بل انتقام را در شما پدید آورد. در هر چیز خود را ثابت کردید که در این امر مبراهستید.

باری هر گاه به شما نوشتم، بجهت آن ظالم یا مظلوم نبود، بلکه تا غیرت مادر باره شما به شما در حضور خدا ظاهر شود.

۱۳ و از این جهت تسلی یافتیم لیکن در تسلی خود شادی ما از خوشی تیطس بینهایت زیاده گردید چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود.

۱۴ زیرا اگر در باره شما بد و فخر کردم، نجمل نشدم بلکه چنانکه همه سخنان را به شما به راستی گفتیم، همچنین فخر ما به تیطس راست شد.

۱۵ و خاطر او به سوی شما زیاد تر مایل گردید، چونکه اطاعت جمیع شما را به یاد می آورد که چگونه به ترس و لرز او را پذیرفتید.

۱۶ شاد مانم که در هر چیز شما اعتماد دارم.

### تشویق به سخاوت

لیکای برادران شما را مطلع میسازیم از فیض خدا که به کلیسای مکادونیه عطا شده است.

۲ زیرا در امتحان شدید زحمت، فراوانی خوشی ایشان ظاهر گردید و از زیادتی فقر ایشان، دولت سخاوت ایشان افزوده شد.

۳ زیرا که شاهد هستم که بحسب طاقت بلکه فوق از طاقت خویش به رضامندی تمام، التماس بسیار نموده، این نعمت و شراکت در خدمت مقدسین را از ما طلبیدند.

۵ و نه چنانکه امید داشتیم، بلکه اول خویشتر را به خداوند و به ما بر حسب اراده خدا دادند.

و از این سبب از تیطس استدعا نمودیم که همچنانکه شروع این نعمت را در میان شما کرد، آن را به انجام هم برساند.

۷ بلکه چنانکه در هر چیز افزونی دارید، در ایمان و کلام و معرفت و کمال اجتهاد و محبتی

- که با ما می‌دارید، در این نعمت نیز بی‌فزا بید.
- ۸ این راه به طریق حکم نمی‌گوییم بلکه به سبب اجتهاد دیگران و تا اخلاص محبت شما را بیازماییم.
- ۹ زیرا که فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌دانید که هر چند دولت مند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولت مند شوید.
- ۱۰ و در این، رای می‌دهم زیرا که این شما را شایسته است، چونکه شما در سال گذشته، نه در عمل فقط بلکه در اراده نیز اول از همه شروع کردید.
- ۱۱ اما الحال عمل راه انجام رسانید تا چنانکه دل‌گرمی در اراده بود، انجام عمل نیز بر حسب آنچه دارید بشود.
- ۱۲ زیرا هر گاه دل‌گرمی باشد، مقبول می‌افتد، بحسب آنچه کسی دارد نه بحسب آنچه ندارد.
- ۱۳ و نه اینکه دیگران را راحت و شما را زحمت باشد، بلکه به طریق مساوات تا در حال، زیادتی شما برای کمی ایشان بکار آید؛ و تا زیادتی ایشان بجهت کمی شما باشد و مساوات بشود.
- ۱۵ چنانکه مکتوب است: «نکه بسیار جمع کرد، زیادتی نداشت و آنکه اندکی جمع کرد، کمی نداشت.
- اما شکر خدا راست که این اجتهاد را برای شما در دل تیطس نهاد.
- ۱۷ زیرا او خواهش ما را اجابت نمود، بلکه بیشتر با اجتهاد بوده، به رضامندی تمام به سوی شما روانه شد.
- ۱۸ و با وی آن برادری را فرستادیم که مدح او در انجیل در تمامی کلیساها است.
- ۱۹ و نه همین فقط بلکه کلیساها نیز او را اختیار کردند تا در این نعمتی که خدمت آن را برای تجید خداوند و دل‌گرمی شما می‌کنیم، همسفر ما بشود.
- ۲۰ چونکه اجتناب می‌کنیم که مبادا کسی ما را ملامت کند در باره این سخاوتی که خادم آن هستیم.
- ۲۱ زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می‌بینیم.

۲۲ و با ایشان برادر خود را نیز فرستادیم که مکرر در امور بسیار او را با اجتهاد یافتم و الحال به سبب اعتماد کلی که بر شما می‌دارد، بیشتر با اجتهاد است.

۲۳ هر گاه درباره تیطس) پرسند (او در خدمت شما رفیق و همکار من است؛ و اگر درباره برادران ما، ایشان رسل کلیساها و جلال مسیح می‌باشند.

۲۴ پس دلیل محبت خود و نخر ما را درباره شما در حضور کلیساها به ایشان ظاهر نماید.

### آماده کردن هدایا

زیرا که در خصوص این خدمت مقدسین، زیادتی می‌باشد که به شما بنویسم.

۲ چونکه دلگرمی شمار امیدانم که درباره آن بجهت شما به اهل مکادونیه نخر می‌کنم که از سال گذشته اهل اخائیه مستعد شده‌اند و غیرت شما اکثر ایشان را تحریض نموده است.

۳ اما برادران را فرستادم که مبادا نخر ما را درباره شما در این خصوص باطل شود تا چنانکه گفته‌ام، مستعد شوید.

۴ مبادا اگر اهل مکادونیه با من آیند و شمارا نامستعد یابند، نمی‌گویم شما بلکه ما از این اعتمادی که به آن نخر کردیم، نخل شویم، پس لازم دانستم که برادران را نصیحت کنم تا قبل از مانزد شما آیند و برکت موعود شما را می‌سازند تا حاضر باشد، از راه برکت نه از راه طمع.

اما خلاصه این است، هر که با بخیلی کارد، با بخیلی هم درو کند و هر که با برکت کارد، با برکت نیز درو کند.

۷ اما هر کس بطوری که در دل خود اراده نموده است بکند، نه به حزن و اضطراب، زیرا خدا بخشنده خوش رادوست می‌دارد.

۸ ولی خدا قادر است که هر نعمتی را برای شما بیفزاید تا همیشه در هر امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افزوده شوید.

۹ چنانکه مکتوب است که «اشید و به فقر ادا و عدالتش تا به ابد باقی میماند.» □□ اما او که برای بزرگ‌بذرو برای خورنده نان را آماده می‌کند، بذر شمار آماده کرده، خواهد افزود و ثمرات عدالت شمارا مزید خواهد کرد.

۱۱ تا آنکه در هر چیز دو لتند شده، کمال سخاوت را بنماید که آن منشاشکر خدا بوسیله

ما میباشد.

۱۲ زیرا که بهجا آوردن این خدمت، نه فقط حاجات مقدسین را رفع میکند، بلکه سپاس خدایان نیز بسیار میافزاید.

۱۳ و از دلیل این خدمت، خدایان تجید میکنند بهسبب اطاعت شما در اعتراف انجیل مسیح و سخاوت بخشش شما برای ایشان و همگان.

۱۴ و ایشان بهسبب افزونی فیض خدایی که بر شماست، در دعای خود مشتاق شما میباشند.

۱۵ خدایان برای عطای مالا کلام او شکر یاد.

### دفاع پولس از خدمات خویش

امامن خود، پولس، که چون در میان شما حاضر بودم، فروتن بودم، لیکن وقتی که غایب هستم، با شما جسارت میکنم، از شما به حلم و رافت مسیح استدعا دارم

و التماس میکنم که چون حاضر شوم، جسارت نکنم بدان اعتمادی که گمان میبرم که جرات خواهم کرد با آنانی که میپندارند که ما به طریق جسم رفتار میکنیم.

۳ زیرا هر چند در جسم رفتار میکنیم، ولی به قانون جسمی جنگ نمی نمایم.

۴ زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعهها، که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا میافزاد، به زیر میافکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر میسازیم.

۶ و مستعد هستیم که از هر معصیت انتقام جویم وقتی که اطاعت شما کامل شود.

آیا به صورت ظاهری نظر میکنید؟! اگر کسی بر خود اعتماد دارد که از آن مسیح است، این را نیز از خود بداند که چنانکه او از آن مسیح است، ما نیز همچنان از آن مسیح هستیم.

۸ زیرا هر چند زیاده هم نخریم در باره اقتدار خود که خداوند آن را برای بنانه برای خرابی شما به ماده است، نجل نخواهیم شد،

که مباد معلوم شود که شمارا به رسالهها میترسانم.

۱۰ زیرا می گویند: «ساله های او گران و زور آور است، لیکن حضور جسمی او ضعیف و سخنش حقیر.»

چنین شخص بداند که چنانکه در کلام به رساله‌ها در غیاب هستیم، همچنین نیز در فعل در حضور خواهیم بود.

زیرا جرات نداریم که خود را از کسانی که خویشان را مدح میکنند بشماریم، یا خود را با ایشان مقابله نماییم؛ بلکه ایشان چون خود را با خود میپیمایند و خود را به خود مقابله مینمایند، دانایستند.

۱۳ اما ما زیاد از اندازه نفرمی کنیم، بلکه بحسب اندازه آن قانونی که خدا برای ما پیمود، و آن اندازه‌های است که به شمانیز میرسد.

۱۴ زیرا از حد خود تجاوز نمی کنیم که گویا به شمانز سیده باشیم، چونکه در انجیل مسیح به شما هم رسیدهایم.

۱۵ و از اندازه خود نگذشته در محنت‌های دیگران نفرمی نماییم، ولی امید داریم که چون ایمان شما افزون شود، در میان شما بحسب قانون خود بغایت افزوده خواهیم شد.

۱۶ تا اینکه در مکان‌های دور تر از شما هم بشارت دهیم و در امور می‌باشد به قانون دیگران نفر نکنیم.

۱۷ اما هر که نفر نماید، به خداوند نفر نماید.

۱۸ زیرا نه آنکه خود را مدح کند مقبول افتد بلکه آن را که خداوند مدح نماید.

### دفاع پولس در مقابل رسولان کذبه

کاشکه مراد را ندک جهالتی متحمل شوید و متحمل من هم می‌باشید.

۲ زیرا که من بر شما غیور هستم به غیرت الهی؛ زیرا که شما را به یک شوهر نامزد ساختم تا با کره‌های عقیفه به مسیح سپارم.

۳ لیکن می‌ترسم که چنانکه ما را به مکر خود حوار افریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی که در مسیح است، فاسد گردد.

۴ زیرا هر گاه آنکه آمد، و عظم می‌کرد به عیسای دیگر، غیر از آنکه ما بدو موعظه کردیم، یا شمار و وحی دیگر اجزا که یافته بودید، یا انجیلی دیگر را سوای آنچه قبول کرده بودید می پذیرفتید، نیکو می‌کردید که متحمل میشدید.

- زیرا یقین است که از بزرگترین رسولان هرگز کمتر نیستم.
- ۶ اما هر چند در کلام نیز امی باشم، لیکن در معرفت نی. بلکه در هر امری زده همه کس به شما آشکار گردیدیم.
- ۷ آیا گاه کردم که خود را ذلیل ساختم تا شما سرافراز شوید در اینکه به انجیل خدا شما را مفت بشارت دادم؟
- کلیساهای دیگر را غارت نموده، اجرت گرفتم تا شما را خدمت نمایم و چون به نزد شما حاضر بوده، محتاج شدم، بر هیچکس بار نهادم.
- ۹ زیرا بر ادراکی که از مکادونیه آمدند، رفع حاجت مرا نمودند و در هر چیز از بار نهادن بر شما خود را نگاه داشته و خواهم داشت.
- ۱۰ به راستی مسیح که در من است قسم که این نفر در نواحی اخائیه از من گرفته نخواهد شد.
- ۱۱ از چه سبب؟ آیا از اینکه شما را دوست نمی دارم؟ خدا میداند!
- لیکن آنچه می‌کنم هم خواهم کرد تا از جویندگان فرصت، فرصت را منقطع سازم تا در آنچه نخر میکنند، مثل ما نیز یافت شوند.
- ۱۳ زیرا که چنین اشخاص رسولان کذب و عمله مکار هستند که خویشان را به رسولان مسیح مشابه میسازند.
- ۱۴ و عجب نیست، چونکه خود شیطان هم خویشان را به فرشته نور مشابه میسازد.
- ۱۵ پس امر بزرگ نیست که خدام وی خویشان را به خدام عدالت مشابه سازند که عاقبت ایشان بر حسب اعمالشان خواهد بود.
- باز می‌گویم، کسی مرا بیفهم ندهد و الا مرا چون بیفهمی بپذیرید تا من نیز اندکی افتخار کنم.
- ۱۷ آنچه می‌گویم از جانب خداوند نمی گویم، بلکه از راه بیفهمی در این اعتمادی که نخر ما است.
- ۱۸ چونکه بسیاری از طریق جسمانی نخر میکنند، من هم نخر مینمایم.
- ۱۹ زیرا چونکه خود فهم هستید، بیفهمان را به خوشی متحمل میباشید.

۲۰ زیرا متحمل میشوید هرگاه کسی شمارا غلام سازد، یا کسی شمارا فرو خورد، یا کسی شمارا گرفتار کند، یا کسی خود را بلند سازد، یا کسی شمارا بر رخسار طپانچه زند. ۲۱ از روی استحقاق میگویم که گویا ما ضعیف بودهایم.

آیا عبرانی هستند؟ من نیز هستم! اسرائیلی هستند؟ من نیز هستم! از ذریت ابراهیم هستند؟ من نیز می باشم!

آیا خدام مسیح هستند؟ چون دیوانه حرف میزنم، من بیشتر هستم! در محنتها افزونتر، در

تازیانهها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر.

۲۴ از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیانه خوردم.

۲۵ سه مرتبه مرا چوب زدند؛ یک دفعه سنگسار شدم؛ سه کت شکسته کشتی شدم؛ شبانه روزی در دریا بسر بردم؛

در سفرها بارها؛ در خطرهای نهرها؛ در خطرهای دزدان؛ در خطرهای از قوم خود و در خطرهای از امتهای در خطرهای شهر؛ در خطرهای در بیابان؛ در خطرهای در دریا؛ در خطرهای در میان برادران کذب؛

در محنت و مشقت، در بیخوابیها بارها؛ در گرسنگی و تشنگی، در روزها بارها؛ در سرما و عریانی.

۲۸ بدون آنچه علاوه بر اینهاست، آن باری که هر روزه بر من است، یعنی اندیشه برای همه کلیساها.

۲۹ کیست ضعیف که من ضعیف نمی شوم؟ که لغزش میخورد که من نمی سوزم؟ اگر نخر میباید کرد از آنچه به ضعف من تعلق دارد، نخر میکنم.

۳۱ خدا و پدر عیسی مسیح خداوند که تا به ابد متبارک است، میداند که دروغ نمی گویم.

۳۲ درد مشق، والی حارث پادشاه، شهر دمشقیان را برای گرفتن من محافظت مینمود.

۳۳ و مرا از در یچههای درز نیلی از باره قلعه پایین کردند و از دستهای وی رستم.

ادامه دفاع پولس بوسیله مکاشفه اش

لابد است که نخر کنم، هر چند شایسته من نیست. لیکن به رویاها و مکاشفات



خداوند می‌آیم.

- ۲ شخصی را در مسیح میشناسم، چهارده سال قبل از این. آیا در جسم؟ نمی‌دانم! و آیا بیرون از جسم؟ نمی‌دانم! خدایم! داند. چنین شخصی که تا آسمان سوم ر بوده شد.
- ۳ و چنین شخص را میشناسم، خواه در جسم و خواه جدا از جسم، نمی‌دانم، خدایم داند، که به فردوس ر بوده شد و سخنان ناگفتنی شنید که انسان را جایز نیست به آنها تکلم کند.
- ۵ از چنین شخص نخر خواهم کرد، لیکن از خود جز از ضعفهای خویش نخر نمی‌کنم.
- ۶ زیرا اگر نخواهم نخر بکنم، بیفهم نمی‌باشم چونکه راست میگویم. لیکن اجتناب میکنم مبادا کسی در حق من گمانی برد فوق از آنچه در من بیند یا از من بشنود.
- و تا آنکه از زیادتی مکاشفات زیاده سرافرازی ننمایم، خاری در جسم من داده شد، فرشته شیطان، تامر الطمه زند، مبادا از زیاده سرافرازی نمایم.
- ۸ و در باره آن از خداوند سه دفعه استدعا نمودم تا از من برود.
- ۹ مرا گفت: «یض من تورا کافی است، زیرا که قوت من در ضعف کامل میگردد.» پس به شادی بسیار از ضعفهای خود بیشتر نخر خواهم نمود تا قوت مسیح در من ساکن شود.
- ۱۰ بنا بر این، از ضعفها و رسوائیها و احتیاجات و زحمات و تنگیها بخاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون ناتوانم، آنگاه توانا هستم.
- بیفهم شده‌ام. شما را مجبور ساختید. زیرا میبایست شما را مدح کرده باشید، از آنرو که من از بزرگترین رسولان به هیچ وجه کمتر نیستم، هر چند هیچ هستم.
- ۱۲ بدرستی که علامات رسول در میان شما با کمال صبر از آیات و معجزات و قوات پدید گشت.
- ۱۳ زیرا کدام چیز است که در آن از سایر کلیساها قاصر بودید؟ مگر اینکه من بر شما بار نهادم. این بیانصافی را از من بپخشید!
- اینک مرتبه سوم می‌باشم که نزد شما بیایم و بر شما بار نخواهم نهاد از آنرو که نه مال شما بلکه

خود شمار اطالم، زیرا که نمی باید فرزندان برای والدین ذخیره کنند، بلکه والدین برای فرزندان.

۱۵ اما من به کمال خوشی برای جانهای شما صرف میکنم و صرف کرده خواهم شد.

و اگر شمارا بیشتر محبت نمایم، آیا کمتر محبت بینم؟

اما باشد، من بر شما بار نهادم بلکه چون حیلۀ گر بودم، شمارا به مکر به چنگ آوردم.

۱۷ آیا به یکی از آنانی که نزد شما فرستادم، نفع از شما بردم؟

به تیطس التماس نمودم و با وی برادر را فرستادم. آیا تیطس از شما نفع برد؟ مگر به

یک روح و یک روش رفتار نمودیم؟

آیا بعد از این مدت، گمان میکنید که نزد شما حجت میآوریم؟ به حضور خدا در مسیح سخن

میگویم. لیکن همه چیزای عزیزان برای بنای شما است.

۲۰ زیرا میترسم که چون آیم شمارا نه چنانکه میخواهم بیام و شمارا بیابید چنانکه نمی

خواهید که مباد از عا و حسد و خشمها و تعصب و بهتان و نمایی و غرور و فتنهها باشد.

۲۱ و چون باز آیم، خدای من مرا نزد شما فروتن سازد و ماتم کم برای بسیاری از آنانی

که پیشتر گناه کردند و از ناپاکی و زنا و فجوری که کرده بودند، توبه نمودند.

### گفتاریانی

این مرتبه سوم نزد شما میآیم. به گواهی دوسه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد.

۲ پیش گفتم و پیش میگویم که گویا دفعه دوم حاضر بودهام، هر چند الان غایب

هستم، آنانی را که قبل از این گناه کردند و همه دیگران را که اگر باز آیم، مسامحه نخواهم

نمود.

۳ چونکه دلیل مسیح را که در من سخن میگوید می جوید که او نزد شما ضعیف نیست

بلکه در شما تواناست.

۴ زیرا هر گاه از ضعف مصلوب گشت، لیکن از قوت خدا زیست میکند. چونکه

مانیز در وی ضعیف هستیم، لیکن با او از قوت خدا که به سوی شما است، زیست خواهیم

کرد.

- ۵ خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را با زیافت کنید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسی مسیح در شماست اگر مردود نیستید؟ اما امیدوارم که خواهید دانست که ما مردود نیستیم.
- ۷ و از خدا مسالت میکنم که شما هیچ بدی نکنید، نه تا ظاهر شود که ما مقبول هستیم، بلکه تا شما نیکویی کرده باشید، هر چند ما گویا مردود باشیم.
- ۸ زیرا که هیچ نمی‌توانیم به خلاف راستی عمل نمایم بلکه برای راستی.
- ۹ و شادمانیم وقتی که ما نتوانیم و شما نتوانید. و نیز برای این دعا میکنیم که شما کامل شوید.
- ۱۰ از اینجهت این را در غیاب مینویسم تا هنگامی که حاضر شوم، سختی نکم بحسب آن قدرتی که خداوند بجهت بنانه برای خرابی به من داده است.
- خلاصه‌های برادران شاد باشید؛ کامل شوید؛ تسلی پذیرید؛ یک رای و باسلامتی بوده باشید و خدای محبت و سلامتی باشما خواهد بود.
- ۱۲ یکدیگر را به بوسه مقدسه سانه تحیت نمایید.
- ۱۳ جمیع مقدسان به شما سلام میرسانند.
- فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian  
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

---

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug  
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f